

مهديوان: علاقه‌مندم

درباره امام موسی صدر فیلم بسازم

محمدحسین مهديوان، کارگردان سینما گفت: بعد از فیلم «ایستاده در غبار» بسیاری به من گفتند که درباره امام موسی صدر فیلم بسازم و خودم هم علاقه‌مندم فیلمی درباره ایشان بسازم.

محمدحسین مهديوان، کارگردان سینما در تریبون آزادی امام موسی صدر که در مؤسسه امام موسی صدر در حال برگزاری است، گفت:بعد از «آخرین روزهای زمستان» علاقه‌های مختلفی برای اینکه فیلم بسازم داشتم. بعد از فیلم «ایستاده در غبار» به ویژه دوست داشتم درباره زندگی شهید پروجری فیلم بسازم، اما در جای عمومی نگفتم علاقه‌مندم درباره صدر فیلم بسازم یا اینکه واقعاً علاقه‌مند هستم. وی افزود: به هر حال با توجه به اینکه واقعاً علاقه‌مند هستم برای ایشان فیلمی بسازم اما می‌دانم کار سختی است و جالب است که بعد از فیلم «ایستاده در غبار» تا امروز بیش از ۱۰۰ نفر از مردم عادی، روزنامه‌نگار، دانشجو و… یکی از مواردی که به من گفتند این بوده که فیلمی درباره ایشان بسازم.

وی گفت: سینما هم درباره این موضوع مسئول است. ما در برابر اندیشه ایشان هم مسئولیم چون امروز همه دچار پیچیدگی‌های زیادی هستیم. ما در سرگشتگی زندگی می‌کنیم و بخشی از آن محصول بعد از انقلاب هست و باید درباره آن صحبت کرد. وقتی هم درباره کسی و وقعه‌های حرف زده می‌شود، تحت تأثیر جریان‌های سیاسی قرار می‌گیرد و گم می‌شود. وقتی می‌خواهیم درباره شهید بهشتی حرف بزنیم باید مدام مراقب باشیم و به تعبیر راست و چپ دچار تشویم که بهشتی را اصولگرا یا اصلاح‌طلب کنیم.

وی در ادامه افزود: بنابراین در این اوضاع نشان دادن تصویر درستی از چنین شخصیتی کار سختی است. به هر حال ایشان حرکتی را آغاز کرده که هدفی داشت. ایشان وارد یک راه شد و اینگونه نبود که درباره یک تفکر فقط سخنرانی کند و کتاب بنویسد، بلکه کاری را شروع کرد که گویی تفکری است که قرار است جهان را اداره کند. او قرار است در اوق وسیعی تصویری از آینده جهان و زندگی فردی انسان‌ها در این جامعه بدهد. شاید افراد دیگری هم این کار را کرده باشند اما داستان کار ماتیک زندگی ایشان فهم تازه‌ای به ما می‌دهد و اینجا سینما کار ساز است، چون اگر بخواهیم اندیشه‌ای را بفهمیم نیازمند یک داستان هستیم و زندگی امام موسی صدر داستان دارد.

این کارگردان سینما گفت:اما اینکه چرا فیلمی ساخته نشده دلایل زیادی دارد، همانطور که مشخص نیست چرا به اندازه کافی تلاش نشده است. به هر حال من خودم این مسئولیت را هر روز بیشتر آینده جهان و زندگی فردی انسان‌ها در این جامعه بدهد. شاید افراد دیگری هم این کار را بکنم. نسل قبلی سینما به دلایلی به هر حال هر فیلمی محصول شرایط تاریخی است و شاید به تدریج زمان ساختن فیلم خوب درباره ایشان فرا برسد. امیدوارم وی پرده سینما این فیلم را ببینم و دوست دارم تماشاچی این فیلم باشم و اگر سازنده باشم تقارم بیشتر است. پیگیری جدی درباره سرنوشته ایشان و تلاش برای فهم اندیشه وی دو کار جدی است که همه ما باید به آن توجه داشته باشیم.

سیاه پر چمدار و پیشگام مبارزه با تروریسم

ادامه صفحه ۲

سیاه طی این سال‌ها به نمایندگی از ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، یک انتقاد قدرتمندو جدی مبارزه با تروریسم را در منطقه و خصوصاً در سوریه شکل داد. در این انتقاد، در کنار ساختارهای رسمی و باسابقه قدرت چون دولت‌ها و ارتش‌های سوریه، عراق و روسیه، ساختارها و سازمان‌های مردمی، با الهام از الگوی بسیج در ایران، نقش برجسته و مؤثری در مبارزه با تروریسم ایفا کردند. سیاه در پدیدار سازی این مجموعه‌های مردمی همانند نیروهای مردمی در سوریه، جشدالشعبی در عراق، پیش از آنها حزب‌الله در لبنان و لشکرهای تیپ‌هایی چون فاطمیون، زینبیون، حسنینون و… نقش تأسیسی و هداییتی داشته است. ان شاه‌الله با حول و قوه در منطقه و به‌ویژه که سیاه با ریشه کنی تروریسم در ایران در دهه ۶۰، امنیت پایداری را به ملت ایران تقدیم کرد، با کمک همین نیروهای مردمی در منطقه، بانویدی آخرین نفرات گروهک‌های تروریستی و با فرار از دادن آنها از منطقه، ضمن بالا بردن ضرب امتیازی ایران، امنیت خوب و پایداری را برای ملت‌های مستلزم منطقه پدید خواهد آورد. سبلی موشکی سیاه به تروریست‌ها در پی ترقی‌بازی آنان در تهران از یک طرف و حضور میدانی پاسداران در ارائه خدمات مستشاری برای مبارزه با تروریسم در سوریه و عراق از طرف دیگر، از عزم و اراده جدی سیاه به عنوان نماد اقتدار در مبارزه با تروریسم حکایت می‌کند. شهادی گران سنگ سیاه از شهید همدانی به عنوان حبیب سب‌گرفته، تا شهید محسن حججی این پاسداران جوان سر از تن جدا، همگی از این عزم و اراده و صدقاتی در دفاع از حریم اهل بیت و امنیت ملت ایران گواهی می‌دهند. اما در این میان نکته تأمل برانگیز برای جهانپیان، آن است که آمریکا به عنوان حامی اصلی تروریسم در دهه‌های اخیر، سپاه پاسداران را به اتهام حمایت از تروریسم، مورد تحریم قرار می‌دهد!



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸،
نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۶-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۱۷۶ | چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶ | ۸ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ | اذان ظهر: ۱۳:۰۵ | غروب آفتاب: ۱۹:۴۵ | مغرب: ۱۹:۵۲ | نیمه شب: ۰۲:۰۲ | اذان صبح: ۵:۰۵ | طلوع آفتاب: ۶:۳۴ |

چرا سینما آنتور که باید و شاید وارد نقد آزادیگی نشده است؟

ژن‌های خوب رابطه سینما و مردم را قطع کرده‌اند



محمدصادق عابدینی

با وجود اینکه هر روز خبرهای تازه‌ای از نفوذ آقا‌زاده‌ها در دستگاه‌های اجرایی‌ی به میان می‌آید و «ژن خوب» به عنوان کلیدواژه‌ای برای تبخیح دیده آثارآزادگی را آن طور که در جامعه با هنوز مردم نمی‌توانند درپای آقا‌زادگی را آن طور که در جامعه با آن روبه‌رو هستند، در فیلم‌های سینمایی ببینند، چرا سینمای اجتماعی جز در موارد معدود به‌سراغ موضوع آقا‌زاده‌های مدعی «ژن خوب» ترفقه است؟ در عوض اسما می‌بینیم که آقا‌زاده‌ها توانسته‌اند در بدنه سینما رسوخ و نفوذ کرده و به دنبال بسط تسلط خود در سینمایی هستند که مدعی مردمی بودن است.

ژن‌های خوب، آقا‌زاده‌های رانتخور، افرادی که به واسطه روابط فامیلی به پست‌های اجرایی رسیده‌اند و صلاحیت‌شان در تصدی آن پست‌ها محل شک و شبهه است. اگر این پدیده اجتماعی در جایی غیر از ایران رخ می‌داد، سینمای‌شان چه واکنشی نسبت به آن داشت؟!

وقتی در سینمای بالیوود، غول آسیایی سینما، پلیس فیلمسازان را تحت فشار قرار می‌دهد که تصویری مثبت از پلیس را به تصویر بکشند، فیلمسازان هندی در مقابل این فشار مقاومت می‌کنند. آنها حتی در قالب فیلم‌های کم‌دی هم که شده، پلیس رشوه‌گیر، فاسد و همکار با باند‌های تبهکار را به تصویر می‌کشند. فیلمسازان آمریکایی معتقدند وال استریت پر است از آدم‌هایی که ثروتشان را از راه رشوع و از طریق رانت به دست آورده‌اند. آنها در طول سال‌ها فیلم‌های متعددی درباره وال استریت نماد سرمایه‌داری آمریکایی می‌سازند. از نظر فیلمسازان این کشور، «کرگ وال استریت» نماد آن چیزی است که در پشت پرده معاملات بورسی و وام‌های بانکی می‌گذرد؛

نظام مالی فاسدی که افراد باهوش می‌توانند با ایجاد رابطه و سوء‌استفاده از شرایط به سود باد آورده‌ای برسند.

فیلمسازان آمریکای جنوبی که سبک خود را در فیلمسازی دارند، نگاه اجتماعی‌شان به باند‌های تبهکار قاچاق مواد مخدر را می‌توان در فیلمی مانند «شهر خدا» دید. آنها علت فقر و بدبختی‌شان را در میان درگیری میان کارتل‌های تولید مواد مخدر و دولت‌های فاسد جست‌وجو می‌کنند.

حکمت ۹۱

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ، فَايْتَوُوا لَهَا طَرِيفَ الْحِكْمِ
این قلب‌ها همچون بدن‌ها ملول و افسرده می‌شوند برای رفع ملالت آنها لطافت حکمت امیز را انتخاب کنید.

چرا سینما آنتور که باید و شاید وارد نقد آزادیگی نشده است؟

ژن‌های خوب رابطه سینما و مردم را قطع کرده‌اند

سینمای اجتماعی در جهان بازتابی است از آنچه در یک جامعه در حال رخ دادن است و فیلمساز آگاهانه و برای رفع مشکلات یا گسترش خوبی‌ها، به آن می‌پردازد.

در این بین در سینمای ایران که داعیه‌دار حضور در میان چند کشور صاحب سبک سینما است، و بیشترین توجه را به سینمای اجتماعی دارد، با وجود این می‌بینیم بسیاری از مواردی که جامعه به آن مبتلا است، در فیلم‌های سینمای ایران کمتر دیده شده یا حتی بایکوت می‌شود. بحث نفوذ آقا‌زاده‌ها در دستگاه‌های اجرایی و بخش مدیریت دولتی، موضوعی است که در چند سال اخیر توجه مردم و رسانه‌ها به آن زیاد شده است، به‌خصوص اسما! که استفاده از اصطلاح «ژن خوب» به کلیدواژه‌ای برای تقیح حضور آقا‌زاده‌ها و منفعت‌طلبی‌های آنها تبدیل شد. اما چقدر آقا‌زادگی در سینمای ایران بروز و ظهور داشته است؟ می‌شود گفت بسیار کم و حتی انگشت‌شمار فیلم‌هایی بوده‌اند که به نحوی به محبت آقا‌زاده‌ها پرداخته‌اند.

مصطفی کتایی در فیلم «خط ویژه» یکی از پررنگ‌ترین پرداخت‌ها را به آقا‌زادگی در سینمای ایران داشته است. سعید سهیلی نیز در فیلم «گشت ۲» به آقا‌زاده‌های فاسد پرداخته است. اما چقدر می‌توان با این تعداد معدود، ادعا کرد که سینمای اجتماعی در ایران توانسته همپای خواسته‌های مردمی باشد؟!

علیرضا داودنژاد، کارگردان پیشکسوت سینمای ایران سال گذشته با فیلم سینمایی «فراری» به جست‌وه فیلم فجر آمد؛ فیلمی که تحسین منتقدان سینما را در پی داشت. این فیلم رگه‌های پرزنگی از پرداخت به آقا‌زادگی را در خود داشت. داستان «فراری» و حتی ارجاج به تصاویر دوربین‌های مداربسته از یک حادثه واقعی که برای یک آقا‌زاده رخ داد، برای کسانی که اخبار سیاسی و اجتماعی را دنبال کرده‌اند، اتفاق ناگواری را یادآور می‌شود که در آن یک پسر منتسب به خانواده‌ای سرشناس به همراه دختر هم‌راش کشته می‌شوند.

این فیلم هنوز به دلیل اختلاف‌هایی که وجود دارد، امکان اکران عمومی پیدا نکرده است. داودنژاد، کارگردان «فراری» در گفت‌وگو با «جوان» زمان احتمالی اکران فیلم را به بعد از حل اختلاف فعلی موکول می‌کند. این کارگردان در پاسخ به این سؤال که چرا سینمای ایران نتوانسته به پدیده آقا‌زادگی بپردازد، می‌گوید: آقا‌زادگی مشکل بزرگ امروز زندگی اجتماعی و سیاسی ما است که وابستگی مبنای کار آن است.

این وابستگی در شدیدترین نوع آن در قالب رابطه پدر و پسری و در مراحل کمتر آن به صورت عمو و برادرزاده یا دایی و خواهرزاده خود را نشان می‌دهد. در رتبه پایین تر هم شاهد روابطی مثل بچه باجناب هستیم. اینکه ملاک تعیین مناصب بر اساس درجه وابستگی خانوادگی شده است، صدمات جدی و جبران‌ناپذیری را به جامعه ما زده است. جای پرداختن به این معضل سال‌ها است که در سینما ما خالی بوده و هنوز هم خالی است. دهه‌ها است که نمی‌گذارند سینما سراغ چنین موضوعاتی برود. حتی سعی کرده‌اند چنین روابطی را در سینما سانسور کنند. با این کار رابطه سینما با مردم را قطع کرده‌اند و مردم آنچه را در جامعه می‌بینند، در فیلم‌های سینمایی نمی‌بینند. داودنژاد درباره اینکه چه کسانی باعث می‌شوند سینما نتواند به پدیده آقا‌زادگی بپردازد، در پاسخ می‌دهد: خود همین آقا‌زاده‌ها در سینما نفوذ کرده‌اند و مانع این شده‌اند که ارتباط میان زندگی مردم و سینما برقرار شود و همین باعث شده سینما از جامعه خارج شود.

این کارگردان پیشکسوت در پاسخ به این سؤال که چرا فیلمسازان اجتماعی در ایران نیز تمایلی به پرداختن به پدیده آقا‌زادگی ندارند، تأکید می‌کند: سینمای ایران وضعیت طبیعی ندارد و فیلمسازی جامعه‌اش خود را شده است. به نظر می‌رسد پرداختن به پدیده آقا‌زادگی با توجه به اینکه این روزها آقا‌زاده‌ها در حال گسترش نفوذ خود در بدنه هستند و در قامت تهیه‌کننده خود را به سینما سینمای ایران تحمیل می‌کنند، سخت‌تر نیز شود.

داودنژاد: آقا‌زادگی مشکلس بزرگ امروز زندگی اجتماعی ما است. که وابستگی مبنای کار آن است. این وابستگی در شدیدترین نوع آن در قالب رابطه پدر و پسری و در مراحل کمتر آن به صورت عمو و برادرزاده یا دایی و خواهرزاده خود را نشان می‌دهد، در رتبه پایین تر هم شاهد روابطی مثل بچه باجناب هستیم

«آخرین مسیح»

با موضوع «انتظار» جلوی دوربین می‌رود

مستند «آخرین مسیح» به کارگردانی و نویسندگی سیدسعید صدرزاده با موضوع زوایای مشترک انتظار در نزد شیعه و سنی جلوی دوربین می‌رود. «آرخ‌الزمان» و «ظهور منجی» سال‌ها است یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی پيروان ادیان مختلف محسوب می‌شود. این موضوع در سال‌های گذشته وارد مباحث مرتبط با حوزه سیاست نیز شده و حلال‌در مستندی بلند، از زوایای متفاوت این موضوع به تصویر کشیده می‌شود.

سید سعید صدرزاده، نویسنده و کارگردان حوزه تئاتر و تلویزیون و سازنده مستند «آخرین مسیح» در این باره گفت: انتظار یا امید به بهتر بودن و نشانه نیاز به تکامل و نیل به سوی سعادت است. مسئله انتظار در همه ادیان به عنوان یک ارزش والا و حسن برای هر مکتب و ایدئولوژی مطرح بوده است. نیاز به ناچی یکی از مسائل فطری انسان است که پس از پروردگار به نیرویی نیاز دارد که هم زوایای انسانی دارد و هم از ذات خدایی قدرت مادی و معنوی می‌گیرد. وی بیان کرد: در ادیان الهی به ویژه ادیان ابراهیمی این موضوع به شدت پررنگ است. انتظار قائم در تشیع و انتظار مهدی آرخ‌الزمان در مکتب اهل سنت یکی از ارزش‌هایی بی‌بدیل مشترک وحدت‌اسلامی است و فرقه‌های مختلف اسلامی، نگاه‌های مشترکی نسبت به این مسئله دارند. حال در این مستند زوایای مشترک انتظار در نزد شیعه و سنی بررسی می‌شود. جالب است بدانید در نزد ما و برادران سنی مذهب همه چیز مشترک است و فقط یک یا دو قرأت متفاوت از آن وجود دارد. صدرزاده در پایان عنوان کرد: این اثر مستند به صورت سفارنامه‌ای به جغرافیایی به گستره ایران تولید می‌شود. شهرهای چابهار، زاهدان، ارومیه، سنندج، تربت جات، بندر ترکمن و بندعباس برخی از مقصد‌های سازندگان این اثر برای ملاقات با علمای اهل سنت و ضبط تصاویر هستند.



نگاهی به روایت انگلیسی از حمله تروریستی به سفارت ایران در لندن در فیلم «۶ روز»

«۶روز» سعی در ایجاد تفرقه میان عرب و عجم دارد



جواد محرمی

باز هم باید به سینمای غفلت‌زده ایران خرده گرفت که به موضوعات تاریخی بی‌اعتناست و همچنان هالیوود و سینمای انگلستان اشتیاق بیشتری برای تولید فیلم درباره حوادث تاریخی ما دارند. انگلستان، همان کشوری که برخی از مردم کوچک و بازار ریشه همه بدبختی‌های تاریخی ۲۰۰ سال اخیر ایران را در مدخله و نفوذ آنها می‌داند، فیلم تازه‌ای ساخته و سعی کرده از یک موضوع قدیمی و تقریباً مرده سیاسی، دعوی بین عرب و عجم را برجسته کند و معلوم است که قرار است از دل این موضوع نزاع اعراب با اسرائیل به حاشیه رانده شود.

قومیت‌های ایرانی از جمله اعراب خوزستان همواره مدافع و یار انقلاب اسلامی بوده‌اند، هر چند که در میان هر قوم عده‌ای که سناز مخالف بزنند هم پیدا می‌شود. حالا انگلیسی‌ها با ساخت فیلم «۶روز» تلاش کرده‌اند موضوعی کهنه و کوچک را بزرگ‌نمایند و حواس‌ها را از اتفاقی که در فلسطین در حال رخ دادن است پرت کنند. فیلم «۶روز» ترکیب زنده‌های از حقیقت‌گریزی به سبک انگلیسی‌هاست. موضوع فیلم درباره تسخیر سفارت ایران از سوی عده‌ای در ابتدای انقلاب اسلامی است که خود را مدافع پایتخت عرب می‌پندارند، یک صحنه گردانی به منظور انحراف افکار عمومی اعراب از اتفاق مهمی که در ایران در حال رقم خوردن بود، تصمیم این بود انقلاب اسلامی در مقابل اعراب قرار بگیرد نه در کنار آنها، مدتی بعد هم صدام را به جان انقلاب نوپای ایران انداختند و حالا پس از نزدیک به ۴۰ سال که می‌بینند ملت‌های ایران، عراق و سوریه در حل اخراج دست‌نشانده‌های انگلیس از منطقه هستند و کار داشت تمام است به سینما جوع کرده‌اند. قبل از آغاز جنگ تحمیلی، رژیم بعث، با حمایت سازمان سیاسی به نام خلق عرب با فرستادن نیروهای نظامی، سلاح و حمایت‌های مالی و تربیت گروه‌های چریک، منفجر کردن ایستگاه‌های پلیس، پل‌ها و تأسیسات نفتی، از خودمختاری خوزستان حمایت می‌کرد. ۹ خرداد ۱۳۵۸ درگیری نظامی میان نیروهای سپاه پاسداران با همراهی کماندوهای نیروی دریایی و «کابون هرنگی – نظامی خرمشهر» به فرماندهی سردار شهید «محمد جهان‌آرا»، با این گروهک تروریستی بالا گرفت و در اقدامی انقلابی، سازمان خلق عرب برای همیشه منهدم شد. پس از این رویداد ۹۱ نفر از اعضای وابسته سازمان دستگیر شدند. گروهک تروریستی سازمان یافته «خلق عرب» در پی اتقایی بود و انتقام‌خواهی این گروهک تروریستی مقارن شده بود با روزه‌های خود و تارک جیمی که در تسخیر

کتاب یک نویسنده همجنس‌گرای صهیونیست با موضوع جامعه و انسان وارد بازار نشر کشور شد

تبلیغ تفکرات صهیونیستی با مجوز رسمی!



شاید بسیاری تصور سخت باشد اما واقعیت دارد، کتاب نویسنده صهیونیست که سرورج تفکرات کفر آمیز است از دولت جمهوری اسلامی مجوز گرفته است. کتاب «انسان خردمند: تاریخ مختصر بشر» نوشته «یوال نوخ هرازی»، نویسنده اسرائیلی اوایل همین امسال به بازار آمده است. هرازی، تاریخ‌دان صهیونیست و دانش‌آموخته دانشگاه عبری بیت‌المقدس و آکسفورد و اکنون نیز ساکن سرزمین‌های اشغالی و مشغول تدریس در همان دانشگاه در بیت‌المقدس است. در روزه‌های که دست‌اندرکاران فوتبال و سیاست فکر و ذکرشان موضع‌گیری در خصوص بازی احسان حاج‌صفی و مسعود شجاعی مقابل تیم مکابی تل آویو از رژیم صهیونیستی بود، کتابی از یک نویسنده اسرائیلی در آرامش کامل (!) چند ماهی بود که توزیع و فروش خود در کشور را آغاز کرده بود. «انسان‌ها در قرن بیست و یکم تلاش می‌کنند مبدل به خدا (یال) شده و به مرگ و پیری غلبه کنند. انسان سعی می‌کند حیوانات، گیاهان و حتی انسان‌هایی را براساس میل و آرزوهای خودش خلق کند… طبقه بی‌مصرف) هم به وجود خواهد آمد که شامل میلیاردها انسان خواهد بود.»جملات بالا بخشی از سخنان یوال نوخ هرازی، تاریخ‌دان اسرائیلی و نویسنده کتاب پر فروش «انسان خداگونه» است که در آن علی‌الظاهر به جهش تکنولوژی و دگرگونی بنیادی انقلابی جامعه و انسان می‌پردازد اما واقعیت این است که او در حال ترویج تفکرات صهیونیستی است و انتشار آن در ایران به نوعی رسمیت دادن به آن رژیم نامشروع قلمداد

نویسنده آن ضروری نیست؟